

جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)

* مهدی ابوطالبی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۱۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۶

چکیده

حوزه انقلابی از جمله مباحثی است که رهبر معظم انقلاب بر آن تأکید خاص داشتند. بیانات ایشان نشان می‌دهد که حوزه، مادر و ایجادکننده انقلاب بوده است؛ لذا انقلابی‌گری یک تفکر است و انقلابی‌گری حوزه‌ها به بعد از انقلاب محدود نمی‌شود؛ اما به دلیل پررنگ‌بودن و اهمیت نهضت امام خمینی و انقلاب اسلامی در سال‌های اخیر، از فعالیت‌های انقلابی حوزه‌های علمیه در دوره‌های قبل از رژیم پهلوی و قبل از نهضت غفلت شده است. همین غفلت موجب توهم انقلابی‌نبودن حوزه‌های علمیه در قبل از دوران نهضت امام و زمینه‌ای برای گسترش سکولاریسم در حوزه‌های علمیه شده است. فرضیه این تحقیق آن است که انقلابی‌گری در دوره‌های قبل از نهضت امام نیز در حوزه‌های علمیه بوده است؛ لذا یکی از راه‌های مقابله با سکولاریسم در حوزه و تضعیف انقلابی‌گری در حوزه، توجه به این پیشینه تاریخی انقلابی‌گری حوزه‌هاست. در این مقاله به دنبال توصیف و تبیین نمودهای انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه در دوره قاجار هستیم. چارچوب نظری این بحث، شاخص‌های ایشان در بحث انقلابی‌گری است. ایشان ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی‌گری را در پنج محور مطرح کردند: ۱. پابندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب (اسلام ناب، اتکا به قدرت الهی، توجه به نیروی مردم، حمایت از محرومان، استکبارستیزی و استقلال)؛ ۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و جهت‌گیری برای رسیدن به آنها (مقاومت و عدم یأس)؛ ۳. پابندی به استقلال کشور در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛ ۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛ ۵. تقوای دینی و سیاسی. لذا بر اساس این شاخص‌ها به روش تحلیلی و تاریخی به بررسی عملکرد حوزه‌های علمیه - به ویژه مراجع و علمای طراز اول - در دوره قاجار پرداخته و جلوه‌های این شاخص‌ها در عملکرد علمای آن دوره را بیان خواهیم کرد.

کلیدواژه‌گان: حوزه، انقلابی‌گری، استقلال، استکبارستیزی، دشمن‌شناسی، مردم‌گرایی و مقاومت.

۱. دانش‌آموخته حوزه علمیه قم و استادیار علوم سیاسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران که در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسید، حرکتی جهانی بود که در زمره انقلاب‌های کبیر دنیا به شمار می‌آید. این انقلاب صرف تغییر یک حکومت در کشور ایران نبود، بلکه یک انقلاب جهانی برای تغییر ارزش‌های مادی حاکم بر دنیای معاصر بود؛ انقلابی برای حاکمیت الله بر تمام بخش‌های زندگی بشر و حمایت از همه مستضعفان جهان در مقابل مستکبران بود. انقلاب اسلامی ایران در چهار سطح در دنیا تأثیرگذار بوده است: سطح اول تأثیر بر شیعیان جهان و معرفی و احیای مذهب تشیع به دنیای معاصر؛ سطح دوم تأثیر بر مسلمانان جهان اعم از شیعه و سنی و تحقق بیداری اسلامی در جهان اسلام؛ سطح سوم تأثیر بر همه انسان‌های دیندار و معتقد به ادیان الهی و احیای نقش دین در امور سیاسی و اجتماعی؛ سطح چهارم تأثیر بر همه مستضعفان جهان با هر دین و اعتقادی و بیداری و قیام آنها علیه مستکبران.

این انقلاب هم‌اکنون در دهه چهارم تولد خود قرار دارد. دهه چهارم انقلاب، توسط رهبر معظم انقلاب دهه پیشرفت و عدالت نامیده شده است. ایشان در سخنان سال‌های اخیر بر ضرورت انقلابی بودن و انقلابی ماندن اقشار مختلف جامعه تأکید دارند. یکی از مهم‌ترین بخش‌های جامعه که همواره مورد نظر و توجه بوده است، حوزه‌های علمیه می‌باشد. در این تحقیق بر اساس شاخص‌های مطرح‌شده توسط رهبر انقلاب در باب انقلابی‌گری و انقلابی ماندن به دنبال بررسی شاخص‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه در دوره قاجار هستیم.

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۱. مفهوم‌شناسی واژه انقلاب و انقلابی

به‌طور طبیعی برای بحث از حوزه انقلابی و جلوه‌ها و نمودهای آن در تاریخ معاصر ابتدا باید معنا و مفهوم انقلاب و انقلابی را بیان کنیم. انقلاب از نظر لغوی به معنای تحول و دگرگونی است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه «انقلاب»). انسان‌ها در طول تاریخ بشریت همواره با انواع تغییرات و تحولات اساسی و بنیادین در حوزه‌های مختلف مواجه بودند که از برخی از آنها با عنوان انقلاب یاد می‌شود؛ مانند انقلاب صنعتی در قرن ۱۸ که با اختراع ماشین بخار آغاز شد و یک تحول اساسی در صنعت بود یا انقلاب علمی که در دوره رنسانس در غرب اتفاق افتاد و حاکی از تغییرات جدی در بحث علم بود. امروزه نزدیک‌ترین معنایی که از واژه انقلاب فهمیده می‌شود، انقلاب سیاسی و اجتماعی است؛ مثل انقلاب‌های مهم سیاسی و اجتماعی دنیا از قبیل انقلاب فرانسه، انقلاب روسیه و انقلاب اسلامی ایران.

در ادبیات سیاسی و اجتماعی انقلابی به کسی می‌گویند که به دنبال تغییر و تحول در جامعه و وضع موجود می‌باشد. در مقابل انقلابی، واژه محافظه‌کار وجود دارد. محافظه‌کار به کسی می‌گویند که خواهان حفظ وضع موجود است و با تغییر و تحول موافق نیست. طبیعتاً هر انسان عاقلی به دنبال تغییری است که منجر به پیشرفت و بهبود وضعیت موجود شود. البته باید به این نکته هم توجه داشت که همیشه تغییر علامت بهبود وضعیت جامعه نیست و گاهی تأکید بر حفظ وضع موجود نیز وظیفه کسانی است که به دنبال منافع عمومی جامعه هستند.

نکته دیگری که باید در معنا و مفهوم انقلابی بودن دنبال کرد، این است که اگر انقلابی بودن به معنای تلاش برای تغییر و تحول است، در جامعه امروز ما این انقلاب و تغییر و تحول باید در چه جهتی باشد و مبتنی بر چه اصول و ویژگی‌هایی باشد؟ اگر از لحاظ اصطلاحی هم بحث را دنبال کنیم، بدیهی است که واژه انقلابی در عرف جامعه امروز ما منصرف به انقلاب اسلامی است؛ یعنی وقتی به کسی صفت انقلابی می‌دهند،

یاست پژوهی

جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمی قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



به معنای هوادار انقلاب اسلامی ایران است یا مدافع تغییر و تحول در جهت و چارچوب انقلاب اسلامی ایران است. از لحاظ اجتماعی هم با توجه به اینکه جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است و نظام سیاسی و اجتماعی موجود، به اعتراف اندیشمندان داخلی و خارجی برآمده از مهم‌ترین واقعه قرن بیستم، یعنی انقلاب اسلامی است، طبیعتاً انقلابی‌گری در این فضای سیاسی و اجتماعی حرکت در چارچوب اصول انقلاب اسلامی است؛ لذا از مجموع مطالب فوق بر می‌آید که انقلابی‌بودن به معنای حرکت در مسیر انقلاب اسلامی و حفظ آرمان‌های آن است که گاهی در قالب تحول و تغییر است و گاهی در قالب حفظ وضع موجود. برای فهم دقیق صفت انقلابی در چارچوب انقلاب اسلامی باید به بیانات معمار و رهبر فعلی انقلاب اسلامی مراجعه کرد.

۲. شاخص‌های انقلابی‌گری از نگاه رهبری

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌ها بحث از انقلابی‌گری و انقلابی‌ماندن را مطرح کردند و در این سخنان به صورت ایجابی ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی‌گری و انقلابی‌ماندن را بیان کردند. ایشان در این سخنان پنج ویژگی را مطرح کردند:

۱. پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب؛
۲. هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و جهت‌گیری برای رسیدن به آنها؛
۳. پایبندی به استقلال کشور در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
۴. حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن؛
۵. تقوای دینی و سیاسی (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

ایشان در توضیح شاخص اول، یعنی «پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب» فرمودند بهترین شاخص برای شناخت این مبانی و ارزش‌ها، شاخص‌های مکتب امام است. از نظر ایشان مهم‌ترین شاخص‌های مکتب امام عبارت‌اند از: اسلام



ناب، اتکا به قدرت الهی، توجه به نیروی مردم و اراده مردم، حمایت از محرومان، استکبارستیزی و استقلال (همان).

توجه به شاخص‌های مطرح‌شده نشان می‌دهد انقلابی‌گری نوعی تفکر است که لزوماً محدود به دوران انقلاب اسلامی ایران و زمان حاضر و حتی کشور ایران نیست؛ بلکه این شاخص‌ها که در انقلاب اسلامی جلوه زیادی داشته و بسیار پررنگ مطرح شده است، می‌تواند در زمان‌ها و مکان‌های مختلف جلوه داشته باشد، هرچند با تفاوت‌هایی در اهداف جزئی و برنامه‌های اجرایی که به تناسب آن شرایط مطرح می‌شود.

یاست پژوهی

جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)

۳. شاخص‌های حوزه انقلابی در روحانیت و حوزه‌های علمیه دوره قاجار

از مجموع شاخص‌های مطرح‌شده در بیانات رهبری در مورد انقلابی‌گری می‌توان شاخص‌های ذیل را در اندیشه و سیره علما و روحانیان دوره قاجار مشاهده کرد که دال بر وجود روحیه انقلابی و انقلابی‌گری در این قشر از جامعه بوده است:

۳-۱. پایبندی به اسلام ناب

یکی از شاخص‌های انقلابی‌گری پایبندی به اسلام ناب است. رهبر انقلاب در توصیف اسلام ناب می‌فرماید اسلام ناب اسلامی است که همه‌جانبه است؛ از زندگی فردی و خلوت فردی تا تشکیل نظام اسلامی همه را شامل می‌شود. اسلام ناب آن اسلامی است که هم تکلیف من و شما را در خانواده با خود و در خلوت شخصی مان معین می‌کند، هم تکلیف ما را در جامعه معین می‌کند، هم تکلیف ما را در قبال نظام اسلامی و ایجاد نظام اسلامی معین می‌کند (همان). با توجه به این نکته یکی از شاخص‌های انقلابی‌بودن حوزه‌های علمیه پایبندی به اسلام ناب، یعنی اسلامی که علاوه بر امور فردی درباره امور سیاسی و اجتماعی هم دغدغه داشته باشد و بدان اهتمام ورزد. در دوره قاجار هرچند برخی از حوزویان و علما این رویکرد را نداشتند، ولی کم نبودند



علما و روحانیانی که دغدغه مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و حتی به تعبیر رهبری دغدغه شکل‌گیری نظام اسلامی را داشتند. به همین دلیل در این دوره شاهد نهضت‌های بزرگ سیاسی و اقتصادی مثل نهضت تحریم تنباکو و نهضت عدالتخانه یا مشروطه با رویکرد مذهبی و به رهبری علما و مراجع شیعه هستیم. در این دوره توجه علما به ساختار و نظام سیاسی نیز افزایش یافته است؛ لذا هم شاهد رشد مباحث نظری در باب ساختار و ویژگی‌های نظام سیاسی بر اساس اندیشه سیاسی اسلامی هستیم هم شاهد اقدامات عملی علما در به‌دست‌گرفتن قدرت سیاسی یا محدودکردن ساختار نظام سیاسی حاکم.

در باب مباحث نظری در این دوره اولین رساله‌های مستقل در باب ولایت فقیه نوشته شد؛ مثل رساله‌های آیات مرحوم نراقی، آقانجفی اصفهانی، سیدعبدالحسین لاری (ر.ک: رحمان ستایش، ۱۳۸۴). همچنین برخی علما در مباحث فقهی خود ادعای اجماع یا بداهت نسبت به ولایت فقیه دارند؛ مثل مرحوم آقانجفی اصفهانی و مرحوم صاحب جواهر. حتی تعابیر دال بر ولایت مطلقه فقیه از بزرگان مثل آقانجفی، نراقی، سیدمحمد بحرالعلوم، حاج آقارضا همدانی و سیدعبدالحسین لاری در آثار فقهی این بزرگان وجود دارد (نجفی، ۱۶/۱۴۱۷: ۱۵۶/ همدانی، [بی‌تا]: ۱۶۱/ آل بحرالعلوم، ۳/۱۳۶۲: ۲۲۱/ نجفی، ۱۳۹۰: ۲۴۷). به همین دلیل نیکی کدی، محقق آمریکایی در این باره می‌گوید اعتقاد شیعه به این مسئله که:

«حکومت شرعی تا زمان رجعت امام دوازدهم توسط آن دسته از پیشوایان علما که صلاحیت تفسیر و تعبیر خواست‌های امام را دارند، قابل اجراست، در قرن نوزدهم آشکار شده بود»

و

«علما که خود از دخالت روزافزون کفار در امر تجارت و دولت خشمگین بودند و بیم آن داشتند که مبدا قدرت‌های اروپایی بر همه شئون کشور

سازشوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



حاکم گردد، نارضایی توده مردم را منعکس می نمودند» (کدی، ۱۳۵۸: ۱۴).

همچنین در باب مباحث نظری می توان به رسائل مشروطیت اشاره کرد که رساله های مختلفی توسط علما در باب نظام سیاسی و مفاهیم مهم سیاسی مثل آزادی، مساوات، رأی اکثریت، مجلس شورا، مشروطه و غیره نوشته شد یا رساله های مهمی مثل تنبیه الامه یا مقیم و مسافر (زرگری نژاد، ۱۳۷۷). در مقام عمل نیز در این دوره شاهد اقدامات مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی علما هستیم که دلیلی بر توجه جدی آنها به مسائل سیاسی و اجتماعی در عمل است؛ مانند صدور فتاوا و اعلامیه های مختلف و حضور در حرکت ها و جنبش های مختلف مثل جهاد با روس ها، اعتراضات نهضت تحریم تنباکو، تحصن ها و مهاجرت های نهضت عدالتخانه و مشروطه. میزان توجه علمای شیعه به مسائل سیاسی و اجتماعی به اندازه ای است که نفوذ و جایگاه سیاسی و اجتماعی آنان بین مردم بسیار بالا رفته، قدرت سیاسی بالایی پیدا کردند. یکی از نویسندگان در این زمینه می گوید:

قدرت و نفوذ و اعتباری که روحانیون در دوره صفوی به دست آورده بودند، با حکومت افشاریه و زندیه رو به کاهش نهاد؛ اما در دوره قاجار به جهت تمایلات شیعی و مذهبی شاهان این سلسله و جنگ های ایران و روس، روحانیون شیعه مجدداً قدرت یافتند و روز به روز بر اعتبار کار آنان افزوده شد و عملاً به قدرت سیاسی دست یافتند که تا آن زمان بی سابقه بود (آجودانی، ۱۳۸۳: ۹۸).

نیکی کدی در این زمینه می نویسد: علما که خود از دخالت روزافزون کفار در امر تجارت و دولت خشمگین بودند و بیم آن داشتند که مبدا قدرت های اروپایی بر همه شئون کشور حاکم گردد، نارضایی توده مردم را منعکس می نمودند (کدی، ۱۳۵۸: ۱۴).
لمبتون نیز پس از ایراد برخی اتهامات مالی و فکری به مخالفان مذهبی قاجاریه در اواخر قرن نوزدهم می نویسد:

با وجود این عوامل، طبقات مذهبی بیش از دیگران از احترام عمومی برخوردار

یاست پژوهی

پایه های انقلابی گری در حوزه های علمی قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



بودند و از آنجاکه دست کم برخی از رهبران آنان در برابر تعدیات دولت، خود را سپر مردم کرده بودند/ماعت آنان را حامی خود می‌شمرد... همچنین پیوستگی قلبی و ایمانی عامه مردم به مذهب شیعه، به هر حال تقریباً این امر را حتمی ساخت که می‌بایست ملایان، پیشوایان طبیعی آنان باشند (کدی، ۱۳۵۸: ۱۵).

سیدجمال نیز در نامه خود به میرزای شیرازی در رابطه با نفوذ شدید علمایی مثل او در میان مردم می‌نویسد:

خدا کرسی ریاست تو را در دل‌ها و خردهای مردم نصب کرده تا به وسیله آن ستون عمل محکم شود و راه راست روشن گردد... ملت اسلام در هر پیشامدی به تو متوجه شده و در هر مصیبتی چشمش را به تو دوخته، سعادت و خوشبختی، رستگاری و رهایی خود را در دست تو می‌داند، آرزوهایش به تو بسته است و آرامشش تویی... همه مردم در برابر تو تسلیم‌اند، همه فرمانبرداریت هستند، امر تو در جامعه مسلمانان نافذ است، هیچ کس در مقابل حکمت گردن‌فرازی نمی‌کند (همان: ۸۵-۸۷).

درمجموع در دوره قاجاریه شاهد فعالیت نظری و عملی علما و روحانیان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی از باب وظیفه دینی و صنفی خودشان به عنوان عالم دینی یا بعضاً به عنوان نایب عام معصوم: هستیم که بیانگر اعتقاد آنها به جامعیت اسلام یا همان اسلام ناب است.

۲-۳. توجه به مردم و تلاش برای آگاهی‌بخشی به جامعه

یکی دیگر از شاخص‌های انقلابی‌گری توجه به محوریت مردم در مسائل سیاسی و اجتماعی است. حضرت امام ۱ همواره بر نقش مردم و محوریت مردم در انقلاب اسلامی تأکید داشتند (امام خمینی، ۱۳۹۲/۴: ۴۶؛ ۵/ ۳۳؛ ۷: ۳۲۴ و ۴: ۴۵۵). مقام معظم رهبری درباره محوربودن مردم می‌فرمایند:

وقتی ما مردمی بودن را و محوربودن مردم را با اسلام همراه می‌کنیم، ترکیب آن می‌شود جمهوری اسلامی. جمهوری اسلامی یعنی این. مردم محورند.

سات شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



مقاصد برای مردم است. هدف‌ها متعلق به مردم است. منافع مال و ملک مردم است. اختیار در دست مردم است. اینها مردمی بودن است: رأی مردم، خواست مردم، حرکت مردم، عمل مردم، حضور مردم و شرافت مردم در نظام جمهوری اسلامی. این یکی از آن مبانی است و به معنای واقعی کلمه باید به این معتقد بود (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

حوزه انقلابی باید به این نکته توجه و اعتقاد داشته باشد که تحولات سیاسی و اجتماعی و دگرگونی و پیشرفت باید با محوریت مردم، برای مردم و توسط خود مردم انجام بگیرد؛ لذا برای ایجاد تحرک در جامعه باید روحانی انقلابی در متن جامعه و با ارتباط با عموم مردم، با روشنگری و آگاهی‌بخشی مردم را بیدار و متوجه سازد و سعی در تشویق و به‌حرکت‌انداختن اقشار مختلف جامعه داشته باشد.

در دوره قاجار هم بسیاری از علما و روحانیان به این نکته توجه داشتند؛ لذا هم از لحاظ نظری - به‌ویژه در دوره مشروطه - در مواردی به این نکته اشاره شده است و هم از لحاظ عملی همواره در جنبش‌های سیاسی و اجتماعی به آگاهی‌بخشی مردم پرداخته‌اند و با هدایت و البته همراهی مردم توانسته‌اند در تحولات سیاسی و اجتماعی تأثیرگذار باشند و ملجأ و پناه مردم در مقابل ظلم حاکمان باشند. از لحاظ نظری در یکی از متونی که از علمای شیراز منتشر شده، به بحث جمهوری اسلامی اشاره شده است. در تلگرافی که در نهضت مشروطه علمای شیراز به مرکز ارسال کرده‌اند، آمده است:

تا کنون عقیده ما این بود که دولت عبارت است از هیئت رجال، دانشمندان سیاسی‌دان، نه منحصر به یکی از فرنگی‌مآبان تازه و از طبیعی مذاقان پوسیده و روزنامه‌خوان خوشیده که لفظ دولت مطلقه مستبدانه آموخته و حال آنکه ایران «جمهوری اسلامی» است؛ چه از عهد سلف تا حال خلف، علمای ملت هر شهری به حکومت شورش کردند، دولت با مصلحت جمهور حاکم را عزل فرمود... و به این معنا

باز یک جمهوری ما رشک فرانسه و آمریکاست (ناظم الاسلام کرمانی، ۱/۱۳۶۱: ۳۹۶-۳۹۷).

همچنین در دوره مشروطه بارها بحث از نقش مردم و حق مردم در مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی سخن گفته‌اند. در این دوره در بحث از آزادی، مساوات، رأی مردم و غیره که از کلیدواژه‌های مهم سیاسی این دوره بود، علما و اندیشمندان حوزوی به رغم تأکید بر لزوم حاکمیت دین و قوانین دینی و نفی قانونگذاری در مقابل قوانین الهی، همواره بر آزادی و مساوات و رأی مردم در چارچوب دین و دفاع از حق مردم و لزوم وجود نمایندگان حکومت به عنوان وکلای مردم تأکید داشتند؛ حتی مرحوم شیخ فضل‌الله نوری که به غلط متهم به عدم اعتقاد به قانونگذاری و نقش مردم در سیاست و حکومت شده است، در بحث حدود اختیارات وکلای مجلس، این اختیارات را تابع اختیارات موکلان آنها، یعنی مردم می‌داند و در باب حدود اختیارات مردم این‌گونه توضیح می‌دهند:

مردم را حق جلب منافع و دفع مضار دشمن داخلی و خارجی است به مقداری که دین ترخیص فرموده؛ لذا به هیئت اجتماعی، تبدیل سلطنت استبدادی به سلطنت اشتراطی نمودند... وظیفه وکلا فقط تحصیل قوه دافعه یا جهت نفعه برای موکلین خود و امور راجع به ملک و لشکر و کشور است (همان: ۳۶۱/ رضوانی، ۱۳۶۲: ۶۱).

در اینجا شیخ دایره وکالت و حقوق عمومی مردم را مشخص می‌نماید؛ لذا آنها می‌توانند با انتخاب وکیل در امور فوق نیز با اختیار خود تصمیم‌گیری کنند. در رساله‌های مختلف دوره مشروطه بر بحث آزادی و مساوات، البته در چارچوب دین تأکید شده است و حتی علمای منسوب به جناح مشروعه‌خواه، مثل شیخ فضل‌الله نوری که به دروغ متهم به مخالفت با آزادی و مساوات و مشروطه و... شدند، بر این بحث تأکید دارند. از لحاظ عملی هم مسئله به همین شکل است؛ یعنی علما همواره به دنبال دفاع از حقوق مردم بودند و ملجأ و پناه مردم در مقابل ظلم ظالمان و حاکمان بودند. مهدی ملک‌زاده معتقد است در این دوره امور حقوقی مثل معاملات، اجرای عقد و

سات شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



نکاح، تقسیم ارث، اخذ حق امام و خمس و... تحت نظارت و در محضر علما انجام می‌شد و حل گرفتاری‌ها و مشکلات با استعلام و استفتا از ایشان میسر بود (ملکزاده، ۱/۱۳۸۳: ۳۵۹). برخی محققان معتقدند در این دوره در بعد دادرسی از توده‌های ستمدیده، علما در مواردی میان حاکمیت و مردم به عنوان واسطه عمل می‌کردند، تا آنجکه شکایت به شاه از طریق یک مجتهد یا توسل به او غالباً مؤثر واقع می‌شد (طیبی، [بی‌تا]: ۲۶۵). گاه مجتهدی با مشاهده نارضایتی همگانی مستقل از حکومت یا همیاری و پشتیبانی مردمی، حاکمی ستمگر را از اریکه قدرت پایین آورده، از شهر اخراج می‌کردند (تنکابنی، [بی‌تا]: ۱۰۱). از نمونه برخوردهای علما با حاکمان محلی در دفاع از حقوق مردم می‌توان به برخوردهای آقاجقی اصفهانی با ظل‌السلطان، حاکم اصفهان اشاره کرد. علمای شیعه بر اساس اقتدار و نفوذ و ولایتی که برای خود به عنوان نائب عام امام زمان (عج) قایل بودند و به پشتوانه مردم که به این مطلب اعتقاد کامل داشتند و بر همین اساس تبعیت عملی کامل هم از آنها داشتند، اقدامات سیاسی و اجتماعی مهمی را در دوران قاجار انجام دادند. یکی دیگر از محققان در مورد رابطه مردم و علما و حمایت علما از حقوق مردم در مقابل حاکمان ظالم می‌نویسد:

باید دانست روحانیون تا اواخر دوره قاجاریه در ایران نفوذ زیادی داشتند و مردم آنها را با ایمان و عقیده به جان و دل می‌پرستیدند و هرگاه مردم می‌خواستند به اعمال و رفتار مأمورین دولتی انتقاد کنند، به آنها متوسل می‌شدند و اینان نیز با نفوذی که بین مردم داشتند، خوب می‌توانستند با شاه و دولتیان مخالفت کنند و اغلب هم زورشان می‌چربید (تیموری، [بی‌تا]: ۴۹).

بسیاری تحولات مهم سیاسی و اجتماعی در تاریخ معاصر ایران با هدایت علما و حضور و نقش پررنگ مردم انجام شد و بر مبنای رابطه ولایتی بین مردم و فقها شکل گرفت. فتاوی جهادیه علما در جنگ ایران و روس و حضور گسترده مردم باعث شد که در مدت کوتاهی تمام مناطق اشغالی از دست روس‌ها آزاد شود، هرچند ضعف

یاست پژوهی

پایه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



فرماندهی و خیانت بیگانگانی مثل روس و انگلیس باعث شکست نهایی و تحمیل قراردادهای ترکمانچای و گلستان شد (ابوالحسنی، ۱۴۰۰: ۹۸). مشابه فتاوی جهادیه در جنگ‌های ایران و روس و تبعیت گسترده مردم از این فتاوا و دفع دشمنان را در مقاطع دیگر تاریخی از جمله دفع تجاوز انگلیسی‌ها به جنوب ایران و منطقه بوشهر نیز شاهد هستیم (رجبی، ۱/۱۳۹۰: ۱-۲۲۲). همچنین حکم ولایی میرزای شیرازی و تبعیت گسترده مردم از آن موجب نقض قرارداد رژی شد. فتاوا و اعلامیه‌های علمای نجف باعث حضور گسترده مردم در مراحل مختلف نهضت مشروطه شد (کسروی، ۱۳۷۸: ۷۳۰). علمای شیعه همواره بر نقش مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی و لزوم آگاهی بخشی آنها و دفاع از حقوق سیاسی و اجتماعی مردم در مقام نظر و عمل تأکید داشتند.

۳-۳. باور به تحول و پیشرفت و روحیه تکامل‌طلبی

همان‌طور که از مفهوم لغوی و اصطلاحی انقلاب فهمیده می‌شود، حوزه انقلابی باید معتقد به تحول، پیشرفت و تکامل باشد؛ روحیه تحول‌خواهی و حرکت به جلو داشته باشد و شور و هیجان پیشرفت و تکامل در روحیه و رفتار او موج بزند.

از این رو، بسیاری از علمای شیعه در دوره قاجار همواره دغدغه تحول و پیشرفت در ابعاد مختلف اقتصادی و فرهنگی و سیاسی داشته‌اند. از جمله اقدامات علمای شیعه در راستای رشد و پیشرفت فرهنگی جامعه تأسیس مکانی به نام قرائتخانه برای مطالعه روزنامه‌ها و مطبوعات توسط انجمن معارف اصفهان زیر نظر آیت‌الله حاج آقا نورالله اصفهانی است که هدف از آن، بالارفتن آگاهی سیاسی و اجتماعی مردم و اطلاع از اخبار است. همچنین تأسیس مدارس جدید برای توسعه نظام آموزشی با رویکرد اسلامی در مقابل مدارس جدید غربی از جمله اقدامات علما و روحانیون است. در اسناد تاریخی به رشد علم و صنعت به عنوان هدف اصلی تأسیس این مدارس اشاره شده است:

از مدارس جدیدی که همین اوقات در ظل مکرمت آقای ثقه‌الاسلام در محله



شمس آباد به مباشرت و اداره جناب آقا میرزا محمدعلی مازندرانی که از فضلا و اهل علم می باشند، مؤسس گشته و جناب آقامیرزا ابوتراب نایینی از اکابر طلاب و صاحب فطرت مستقیم و خیرخواه وطن دوست می باشند، نظارت مالیه آن را متکفل شده اند که... به توسط علوم متداوله و فنون متداثره که به کار است، آنها را از خاک مذلت به اوج سعادت و علوم و صنایع ترقی دهند (نجفی، ۱۳۸۴: ۱۴۵).

در بعد پیشرفت اقتصادی نیز شاهد دغدغه فراوان برخی علمای شیعه هستیم که نمونه هایی از آن در بحث استقلال اقتصادی مطرح شد. یکی از این موارد توجه علما به افزایش ثروت ملی است. مرحوم حاج آقا نورالله اصفهانی در مورد ترویج استفاده از کالای داخلی می نویسد: امیدوارم اول کسی که تاسی به آن هیئت محترمه نماید، اینجانب و هر کس بستگی به اینجانب داشته باشد، بوده باشند و رفته رفته امتعه داخله رواج و احتیاجات از خارجه بالمره مقطوع و ثروت مملکت زیاد و شوکت و اقتدار و عزت اسلام و مسلمین فوق العاده بشود و توازن صادرات و واردات ایران کاملاً بشود (بصیرت منش، ۱۳۷۸: ۲۹۲-۲۹۳).

یکی دیگر از دغدغه های علما رشد صنعتی و کشاورزی ایران است که تأسیس کارخانه و رشد کشاورزی را از عوامل رشد اقتصادی و افزایش ثروت ملی می دانند:

«اگر کارخانه ریسمان و نساجی داشتیم... قهراً رفع حاجت و مزید ثروت و ترقی مملکت می باشد و هم فلاح (کشاورزی) که در واقع معدن معتبر ایران است... اسباب هزارگونه ثروت بود» (نجفی، ۱۳۸۴: ۳۹۱).

یکی از مهم ترین نمودهای این حرکت، تأسیس شرکت اسلامی اصفهان در سال ۱۳۱۶ قمری، یعنی حدود هفت سال بعد از قیام تنباکو در اصفهان است. این شرکت توسط دو مجتهد بزرگ اصفهان مرحوم آیت الله آقاجنئی اصفهانی و برادرشان شهید حاج آقا نورالله اصفهانی و تجار اصفهان تأسیس شد. فصول مختلف اساسنامه این شرکت و اهداف تعیین شده حاکی از دید وسیع و متفکرانه این عالمان دینی و توجه

یاست پژوهی

پلوه های انقلابی گری در حوزه های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



دقیق به معضلات و مشکلات اقتصادی جامعه زمان خود است که برای حل این مشکلات اقدام به تأسیس این شرکت نمودند. در اساسنامه این شرکت اهداف کلی تأسیس شرکت این گونه بیان شده است:

۱. دسترسی به سود بیشتر اقتصادی از طریق راه‌اندازی کمپانی و شرکت در نسبت با کار تجارت فردی؛
۲. خروج از ذلت احتیاج به امتعه خارجی؛
۳. تثبیت و تقویت هرچه بیشتر تجارت داخله در برابر تجارت خارجه؛
۴. جلوگیری از خروج ثروت داخلی به خارج از کشور؛
۵. جلوگیری از مهاجرت نسل‌های آینده به خارج از کشور برای مزدوری و کارگری نزد بیگانگان؛
۶. تسهیل در امر معیشت مردم به علت ارزان‌تر بودن منسوجات و مأكولات داخلی نسبت به نوع خارجی آنها؛
۷. ارائه الگویی تجاری برای آینده ملت و دولت؛
۸. جلوگیری از رواج معاملات ربوی بیگانگان (برای اطلاع بیشتر از اصل نظام‌نامه شرکت اسلامیة اصفهان، ر.ک: نجفی، ۱۳۸۴: ۳۲-۳۴).

بنیانگذاران شرکت، در اساسنامه این شرکت فواید و کارایی آن را این گونه بیان کرده‌اند:

«[این شرکت] آب رفته را به جوی آورد و رشته گسیخته تجارت داخله ما را محکم خواهد نمود؛ ملک و وطن ما را آباد و و احیای صنایع منقرض شده ما را حیات می‌دهد؛ ما را از ذلت احتیاج به امتهه خارجی می‌رهاند؛ قماش‌های قلب فسادشده خارج که در عوضش روح و ثروت مملکت ما می‌رود، موقوف دارد و صنایع استادان خودمان را که فعلاً جاذب انظار تمام صنعتگران عالم است و در تماشاخانه‌های خارجه به یادگار در کمال احترام نگه می‌دارند، به حال اولین عود می‌دهد؛ راه‌های



مملکت را شوسه و آهن کرده، حمل و نقل ما را سهل خواهد نمود. از قحط‌سالی و تعدی محترکین بی‌انصاف نجاتمان می‌دهد. اطفال ما را تربیت می‌کند. در سال که هزارها از نفوس و برادران دینی ما به خارجه مسافرت کرده، در کمال ذلت به مزدوری غیرمذهب ما/ان شیرین می‌سپارند، به کار و شغل داخله مملکت باز خواهد داشت.» (همان: ۴۸-۴۹).

بر همین اساس روزنامه «ثریا» به آگاهی و توجه عالمان دینی به مسائل سیاسی- اجتماعی و اقتصادی اشاره کرده، به‌ویژه این عالم دینی را آغازکننده ترقی و پیشرفت در ایران می‌داند:

رؤسای روحانی ملت و امر دولت ایران، معنای وطن و ترقی آن را شناخته و در صدد ارتقای بدان مدارج عالی برآمده‌اند. اگر نام مبارک حجت‌الاسلام آقاجفی - مد ظله العالی - را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزااست (روزنامه ثریا، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۱۷).

در بعد پیشرفت سیاسی هم توجه علمای شیعه به اصلاح نظام سیاسی ایران در دوره مشروطه، بسیار قابل توجه است. تأکید علمای شیعه در این دوره به اصلاح نظام سیاسی استبدادی و ظالمانه در حد مقذور بر اساس مدل عدالتخانه اسلامی و مجلس معدلت حاکی از این دغدغه است. توجه به ضرورت تدوین قانون اساسی، آزادی، عدالت، مساوات بین حاکم و رعیت در برابر قانون و نقش مردم در سیاست در قالب مجلس شورا از نمونه‌های دغدغه علمای دوره قاجار برای پیشرفت در عرصه سیاسی است که در رساله‌های سیاسی عصر مشروطه قابل مشاهده است. این دغدغه در علمایی چون شیخ فضل‌الله نوری که متهم به مخالفت با قانونگذاری شده‌اند نیز قابل مشاهده است. شیخ فضل‌الله در مورد ضرورت قانون اساسی می‌نویسد:

علیکم بطلب القانون الاساسی الاسلامی، ثم علیکم بطلب القانون الاساسی

الاسلامی، فدنه مصلح لدینکم و دنیاکم.

سیاست‌پژویی
جمله‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



قوت اسلام در این نظام‌نامه اسلامی است رفع گرفتاری‌های دنیای شما به همین نظام‌نامه اسلامی است. ای برادر نظام‌نامه، نظام‌نامه، نظام‌نامه؛ لکن اسلامی، اسلامی، اسلامی (ترکمان، ۱۳۶۳: ۳۵۶).

به دلیل همین دغدغه‌ها و اقدامات سیاسی است که مورخان تأکید کرده‌اند نهضت عدالتخانه که بعدها مشهور به مشروطه شد و نقطه عطفی در فرایند پیشرفت در عرصه نظام سیاسی حاکم بر ایران است، توسط علمای شیعه به راه افتاد:

جنبش مشروطه را در تهران دو سید [بهبهانی و طباطبایی] پدید آوردند و صدرالعلماء و حاجی شیخ مرتضی آشتیانی و شیخ محمدرضای قمی و کسان دیگری از ملایان همگام می‌بودند، سپس در پیشامد بست‌نشینی در مسجد آدینه و کوچیدن به قم، حاجی شیخ فضل‌الله نیز با آنان همراهی نمود و پس از آن همیشه همراه می‌بود (کسروی، ۱۳۷۸: ۲۸۵).

۳-۴. استکبارستیزی

یکی از مهم‌ترین مبانی اسلام و انقلاب اسلامی استکبارستیزی است. یکی از اصول بسیار مشهور در بحث ارتباط مسلمانان با کفار، اصل نفی سبیل است که این اصل مستند به آیات و روایات است؛ مثل آیه «وَكُنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا: خداوند هرگز راهی برای سلطه کافران بر مؤمنان قرار نداده است (نساء: ۱۴۱) و روایت «الْإِسْلَامُ يَعْلُو وَ لَا يَعْلى عَلَيْهِ: اسلام برتر است و هیچ چیز بالاتر و برتر از آن قرار نمی‌گیرد» (عاملی، [بی‌تا]: ۱۷/۳۷۶ و ۴۶۰).

در بحث مقابله و مواجهه با غرب توجه به اصل عدم سلطه کفار بر مسلمین بسیار جدی است. بحث استکبارستیزی و نفی سلطه کفار در وقایع مختلف دوره قاجار مورد توجه علما و فقهای شیعه بوده است. در موارد متعددی علمای شیعه دلیل مخالفت با استفاده از کالاهای خارجی و مخالفت با انعقاد برخی قراردادهای اقتصادی و سیاسی را پیشگیری یا دفع خطر سلطه کفار بر مسلمین مطرح کرده‌اند؛ البته این سلطه در ابعاد



مختلف اقتصادی، سیاسی و فرهنگی مطرح بوده است؛ برای نمونه مرحوم سید محمدکاظم یزدی در پاسخ به استفتایی مبنی بر حکم استفاده از کالاهای خارجی در صورت امکان استفاده از مشابه داخلی آن کالا می‌نویسند:

«هرچه موجب تقویت و شوکت کفر و کفار و باعث ضعف اسلام و مسلمین است حرام است، چه از معاملات باشد یا غیر آن از آنچه باشد... و بسی سزاوار است که مسلمین، کلیه، هرگاه ممکن باشد، بدون ترتب مفسده، تحرز کنند از چیزهایی که در معرض تقویت کفر است» (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۲۴: ۲۰).

در نهضت تحریم تنباکو یکی از اقدامات علمای شیعه، تلاش برای «افزایش روحیه احساس دشمنی با دشمنان خدا و خلق خدا» است که مصداق عنصر «تولی و تبری» است. بعد از آنکه میرزای شیرازی در فتوای خود در سال ۱۳۰۶ قمری پایه و اساس جریان «شناساندن دشمن» را با فتوای ارزنده خود درباره «ترتب مفسد بر حمل اجناس از بلاد کفر» صادر کردند و به اطلاع مقلدان خود رساندند و فرمودند که این امر «مایه خرابی دین و دنیای مسلمین است»، بلکه موضوع را برای مردم «بلا» معرفی کردند، ضمن به‌راه‌انداختن جریانی سالم از افزایش مستمر معرفت و شناخت در مردم، تخم کینه و نفرت به «اجنبی مهاجم» را نیز در دل «مسلمین» کاشتند و روشن است که این بذر را دینداران زمان همه‌ساله، بلکه در هر فرصت مناسب آبیاری کرده و پرورش داده‌اند و این بذر خیلی زود در مرحله به‌ثمر رسیدن «نهضت تحریم تنباکو» محور اصلی «عواطف ملی» قرار گرفته است. روشن است که با بازگویی مسائلی درباره سلطه‌جویی ظالمانه اجنبی و هجوم اقتصادی دشمن برای مردم، احساس نفرتی «عمیق و سرشار» در آنان پیدا شود که نه تنها «دربار»، بلکه هر شخصیت «وجیه‌المله» ای هم که بخواهد در برابر این «موج نفرت و برائت» قرار گیرد، خرد و نابود می‌شود (همان: ۱۸۴-۱۸۵).

گزارش نماینده انگلیس به‌وضوح حاکی از ایجاد چنین حسی در جریان نهضت

یاست پژوهی
جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمی قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)

تحریم تنباکو در میان مردم ایران است. در یکی از این گزارش‌ها آمده است: اکنون به هر تقدیر مردم با بدگمانی چنین می‌اندیشند که انگلیسی‌ها در صددند رسومشان و سپس رفته‌رفته خودشان [را] با به شیوه‌ای زیرکانه بر آنان تحمیل کنند و چنین می‌نماید که عقیده آنها نسبت به انگلیسی‌ها تغییر فاحشی یافته باشد و هر نوع نسبت پستی به آنان داده شود... ظاهراً مردم تا وقتی از جانب مجتهدان حمایت می‌شوند، هیچ‌واهمه‌ای از ناصرالدین‌شاه ندارند (کدی، ۱۳۵۸: ۱۰۷).

۳-۵. هدفگیری آرمان‌ها و جهت‌گیری برای رسیدن به آنها

شاخص دوم انقلابی‌بودن، همت بلند برای رسیدن به آرمان‌ها و صرف‌نظر نکردن از آرمان‌ها و منصرف‌نشدن از هدف‌های بزرگ است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

شاخص دوم این است که هرگز منصرف نشویم از رسیدن به آن اهداف بلند و آرمان‌های بلند؛ تسلیم نشویم در مقابل فشارها؛ البته شما وقتی که در یک راهی می‌روید که دشمنی بر سر آن راه هست، برای شما مانع ایجاد می‌کند؛ [اما] این مانع بایستی مانع نشود از رفتن شما، از ادامه حرکت شما؛ تسلیم فشارها نشویم (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

بررسی عملکرد علمای شیعه در فضای سیاسی و اجتماعی دوره قاجار نشان از همین شاخص دارد. در جنبش‌ها و نهضت‌های سیاسی این دوره، یکی از اقدامات استعمار و استبداد ایجاد موانع مختلف بر سر راه نهضت‌ها برای متوقف کردن آن بود؛ برای نمونه در نهضت تحریم تنباکو وقتی حکم میرزای شیرازی مبنی بر تحریم تنباکو صادر شد، نظام استبدادی موجود اقدامات مختلفی برای ممانعت از تأثیرگذاری این حکم و توقف حرکت نهضت کرد؛ اما علمای شیعه با مقاومت و پایداری بر آرمان‌های نهضت، تلاش خود را برای به نتیجه رسیدن نهضت ادامه دادند. اولین واکنش حکومت به این حکم، تکذیب آن است؛ چراکه می‌دانند فضای عمومی جامعه اجازه برخورد با اصل حکم را نمی‌دهد. شیخ حسن کربلایی در توصیف فضای عمومی می‌نویسد:

ساخت شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



«جلوگیری از این امر هیچ کس را به هیچ وسیله به جز تشکیک در صحت نسبت و مناقشه در صدور حکم ممکن نتوانستی بود» (کربلایی، ۱۳۷۷: ۱۲۵).

به همین جهت با معدوم کردن اصلی‌ترین صورت‌های حکم میرزا و با این توهم که دیگر سندی در دست علما نیست، اصل صدور چنین حکمی از سوی میرزای شیرازی را تکذیب می‌کنند و حاج محمدکاظم ملک‌التجار را به عنوان عامل جعل حکم میرزا به قزوین تبعید می‌کنند که به خیال خود مانع حرکت و جنبش مردم شوند؛ اما با آگاهی و هوشیاری علمای بلاد مختلف و در رأس آنها میرزای آشتیانی و شیخ فضل‌الله نوری، توطئه حکومت با استفتای مجدد این علما از میرزا خنثی می‌شود (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۲۰۷).

یاست پژوهی

جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)

یکی دیگر از ترفندهای حکومت برای مقابله با نهضت عظیم مردمی، ایجاد اختلاف بین علماست. حکومت به دلیل اذعان به نفوذ علما در میان مردم و توجه مردم به دغدغه‌های مذهبی، پس از عدم امکان تکذیب حکم مرجعیت، بهترین راه مقابله با نهضت ناشی از این حکم را، استفاده از حکم دیگر علما می‌دانند؛ به همین جهت به دنبال اخذ فتوایی معارض با فتوای میرزا، از بزرگانی چون میرزا حسن آشتیانی در تهران و پس از نامیدشدن از ایشان، از مرحوم شیخ زین‌العابدین مازندرانی در کربلا تقاضای فتوا می‌نمایند. کامران میرزا نایب‌السلطنه بعد از سؤال از صحت صدور حکم از میرزا و تأیید آن توسط میرزای آشتیانی، خطاب به میرزا می‌گوید:

«ایشان [میرزای شیرازی] مجتهدند، بر حسب نظرشان، این گونه حکم فرموده‌اند، شما هم که خودتان مجتهدید، بنا بر خواهش و میل دولت بر خلاف این حکم، حکم به اباحه و تجویز دخانیات بفرمایید تا این هنگامه از میان برخیزد» (کربلایی، ۱۳۷۷: ۱۳۲).

در این مرحله نیز با پاسخ دندان‌شکن این علما مواجه می‌شوند که حکم، حکم میرزاست و لاغیر. وقتی از مرحوم مازندرانی این گونه سؤال می‌کنند که وظیفه ما که مقلد شما هستیم، چیست؟ ایشان با اخلاصی که خاص علمای با تقوای شیعه است،



اظهار می‌دارد:

«هرچه میرزای شیرازی امر فرموده، برای همه ما مطاع است» (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۱).

پس از عدم توفیق در تکذیب حکم و ایجاد اختلاف بین علما، تنها راه را در مصالحه و جلب رضایت علما دیدند و لذا با دعوت از علما در دربار از آنها خواستند که با مرور متن قرارداد، «هر گونه تعهد و شرطی که دولت به موجب مواد این امتیازنامه، بر خلاف مقاصد ملت و [احکام] شریعت متلزم گردیده، تغییر بدهند» (کربلایی، ۱۳۷۷: ۱۳۴) که در این مرحله نیز علمای شیعه با دقت و کیاست کامل به وجود کلمه «منوئل» به معنای انحصاری بودن امتیاز اشاره کردند و خواهان رفع این مسئله در قرارداد شدند که این هم درحقیقت به معنای رفع نکته اصلی امتیاز تنباکو بود که حکومت آن را نپذیرفت (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۲۱۳).

۳-۶. پایبندی و تلاش برای استقلال کشور

یکی از مهم‌ترین شاخص‌های انقلابی‌گری پایبندی به استقلال کشور است. استقلال در سه بعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی مطرح است. در دوران قاجار با توجه به تهاجم استعمار به ایران تلاش‌های زیادی برای حفظ استقلال کشور در سه بعد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی شده است:

الف) استقلال اقتصادی

یکی از اقدامات برای حفظ استقلال اقتصادی کشور، تحریم کالاهای خارجی و ترویج کالاهای داخلی توسط علمای شیعه بوده است. در این دوره شاهد اعلامیه‌ها و بیانیه‌های متعددی از فقهای شیعه در این موضوع هستیم. در ادبیات بیانیه‌ها و اعلامیه‌های علما بحث استقلال اقتصادی و رفع نیاز به بیگانه نیز از جمله مطالب مهم و پررنگ است که هم در تحریم کالاهای خارجی و هم در ترویج کالاهای داخلی مورد استناد علما قرار گرفته است. مرحوم آیت‌الله میرزا فتح‌الله شریعت اصفهانی در تأیید

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



فعالیت‌های اقتصادی داخلی مثل شرکت اسلامی، به قبح وابستگی به بیگانه و استفاده از متاع خارجی با این عبارت ادبی اشاره می‌کند: نان خود بر سفره مردم خوردن، به نعمت خویش منت از دیگری بردن و خانه همسایه سوختن و چراغ اجانب افروختن و جامه خویش دریدن و کلاه بیگانه دوختن نه کار عقلاست (نجفی، ۱۳۸۴: ۴۷). مرحوم آیت‌الله صدر اصفهانی نیز در واکنش به تأسیس شرکت اسلامی اصفهان و تولید منسوجات داخلی، یکی از مهم‌ترین آثار این حرکت را که نسبت به تحقق آن ابراز امیدواری می‌کنند، رفع احتیاج و وابستگی به بیگانه است:

«رجاء واثق... مسلمانان در گرفتاری به کفار که آنی زندگانی به غیر مطاع کفر نتوانند و ممالک محروسه اسلام از احتیاج به کفرستان مستغنی گردد» (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷: ش ۱۳).

مرحوم آیت‌الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز شبیه همین امید و آرزو را دارند:

«امیدوارم قسمی شود که اهل ایران به هیچ وجه من الوجود محتاج به آوردن و طلبیدن اجناس خارجه نشوند» (روزنامه حیل‌المتین، ۱۳۱۷: ۱۵).
مرحوم آیت‌الله مامقانی نیز در واکنش به تأسیس این شرکت و تولید لباس‌های داخلی و اسلامی از اینکه این کار موجب استقلال از بیگانه و عدم احتیاج به اقتصاد آنها می‌شود، ابراز خرسندی می‌کنند:

«بحمدالله تعالی فراهم شدن اسباب تداول (رواج) منسوجات اسلامی و سد ابواب حوایج مسلمین از ممالک از نَعَمَ عظیمه این عصر بابرکت است. چه قدر شایسته است که عموم مسلمین با کمال شوق و اتحاد کلمه در رواج آن هجر منسوجات ممالک خارجه که سبب اختلال امور کافه مسلمین شده/د و جهد نموده اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه اسلامی مسلمین را آسوده نمایند» (روزنامه ثریا، ۱۳۱۷: ش ۱۳).

حضرت آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله ملاعبدالله مازندرانی از مراجع بزرگ نجف در سال ۱۳۲۹ قمری در اعلامیه‌ای که علیه استفاده از کالاهای خارجی داده‌اند،



هدف از این اقدام را جلوگیری از خروج ثروت مملکت و منابع داخلی بیان کرده‌اند (نجفی، ۱۳۹۱: ۸۱). حاج آقا نورالله اصفهانی در رساله مقیم و مسافر (همو، ۱۳۸۴: ۳۶۸-۳۶۹)، آیت‌الله سید عبدالحسین لاری در استفتائات خود (آیت‌اللهی، ۱۳۶۳: ۱۷۳-۱۷۴) به لزوم افزایش ثروت ملی و داخلی اشاره کرده‌اند. مرحوم آیت‌الله شیخ محمداسماعیل محلاتی از علمای نجف اشرف (رجبی، ۱۳۹۰: ۴۴۴-۴۴۵)، آیت‌الله سید محمدکاظم یزدی از مراجع تقلید شیعه در عصر مشروطیت در نامه‌ای که ظاهراً به یکی از تجار دارند، نسبت به نفوذ خارجی‌ها در صنعت و اقتصاد و ضعف تولید در میان مسلمین و روی آوردن به دلالتی و واسطه‌گری در معاملات به جای تولید ابراز نگرانی کرده و مسلمین را تشویق به کار و تولید جهت رسیدن به استقلال اقتصادی نموده‌اند (ابوالحسنی، ۱۴۰۰: ۱۶۰).

آیت‌الله آقاجنقی اصفهانی در نامه‌ای که به روزنامه «حبل‌المتین» ارسال کرده‌اند، به این نکته اشاره دارند (روزنامه حبل‌المتین، ۱۳۱۷: ۱۷). مرحوم آیت‌الله شیخ محمدعلی شاه‌آبادی در کتاب شذرات المعارف به ترویج عقاید باطل و اخلاق رذیله و رفتارهای ناشایست در مملکت اسلامی اشاره می‌کنند و معتقدند بسیاری از متدینان صرفاً اظهار تأسف از وقایع مذکور می‌نمایند و دنبال علاج درد و راه حل نیستند. ایشان یکی از راه‌های مناسب برای اعتلای دینی در جامعه را حمایت از شرکت‌ها، صنایع و زراعت داخلی می‌دانند (شاه‌آبادی، ۱۳۶۰، ص ۸). تأکید بر استفاده از کالاهای داخلی به جای کالاهای خارجی در فتاوی‌ای علما نیز مکرر آمده است (نجفی، ۱۳۹۱: ۱۴۰).

ب) استقلال سیاسی

در وقایع مختلف سیاسی، علمای شیعه بر حفظ استقلال سیاسی کشور تأکید فراوان داشتند و سعی کردند برای حفظ استقلال کشور از طرق مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اقدام کنند. مشکل اصلی سیاسی در امتیاز تنباکو این مسئله بود که از آنجا که تنباکو و دخانیات یکی از نبض‌های مهم اقتصادی کشور بود و بنا بر آمارهای موجود

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



زندگی اقتصادی حدود یک پنجم مردم ایران به شکل‌های مختلف اعم از زراعت، دلالی، معامله، تجارت و صادرات به این محصول وابسته بود، سلطه کفار بر این نبض مهم اقتصادی کشور زمینه سلطه سیاسی بر کشور را فراهم می‌کرد و نفی‌کننده استقلال حکومت بود. لمبتون در توضیح اهداف روسیه در روابط اقتصادی با ایران نیز به همین نکته اشاره دارد:

«افتادن تجارت یک مملکت ضعیف عقب‌افتاده به دست اتباع یک مملکت قدرت‌مدار تقریباً با اعمال نفوذ سیاسی غیرقابل جلوگیری همراه است... تجارت برای او [روسیه] وسیله‌ای برای نفوذ و تسلط سیاسی به شمار می‌رفت» (لمبتون، ۱۳۶۳: ۳۰۳).

این سلطه سیاسی بر اساس مبانی قرآنی امری مطرود و منافی صریح آیات قرآن بود. بر همین اساس در بیانیه‌ها، نامه‌ها و تلگراف‌های متعددی که در طول نهضت تحریم تنباکو منتشر شده، به شکل‌های مختلف به اصل «نفی سبیل» بر اساس آیه «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» اشاره شده است. در تلگراف نخست میرزای شیرازی به منافات این گونه قراردادها با صریح آیات قرآن و تأثیر آن در تضعیف استقلال دولت اشاره شده است:

اجازه مداخله اتباع خارجه در امور داخله مملکت و مخالطه و تردد آنها با مسلمین و اجرای عمل تمباکو و بانک و راه‌آهن و غیرها از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و مخل نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت است (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۹: ۷۸۰).

در همین دوره یکی از علمای تهران مقاله‌ای دربارهٔ عدم مشروعیت قرارداد تنباکو نوشته که این مقاله برای ناصرالدین‌شاه هم فرستاده شد. نویسنده در این مقاله ضمن اشاره به مخارج سنگینی که کمپانی رژی برای ساخت ساختمان و برج و باروهای خاص به عنوان مراکز نمایندگی کمپانی می‌کند، این احتمال را مطرح می‌کند که دولت

یاست پژوهی

جلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



انگلیس پشت سر شخص صاحب امتیاز تنباکو است و این اقدامات برای ایجاد سلطه بر نقاط مختلف و مهم کشور است (کربلایی، ۱۳۷۷: ۱۲۸). سیدجمال نیز در نامه به میرزای شیرازی به پیامد سیاسی این قرارداد که همان سلطه کفار است، این گونه اشاره می‌کند: «طولی نخواهد کشید که مملکت اسلامی زیر اقتدار بیگانگان در می‌آید. آن وقت است که هر چه می‌خواهند می‌کنند و هر حکمی دلشان خواست می‌دهند» (کدی، ۱۳۵۸: ۸۹).

لمبتون در توصیف وقایع تبریز به تهیه عرض حالی در تبریز اشاره می‌کند که توسط مردم تهیه شده و برای شاه هم ارسال شده است. وی به نقل از پاتون در مورد محتوای این عرض حال می‌نویسد: «[آنها معتقدند] تمام این کارها علیه مذهب آنهاست و نتیجه این خواهد بود که انگلستان همان‌طوری که در مصر فعال ما یشاء است، در اینجا هم خواهد بود (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۶۷).

بعدها پس از لغو قرارداد رژی، کشف اسلحه و مهمات در صندوق‌های متعلق به کمپانی رژی در گمرک ایران، این ذهنیت را تقویت کرد (تیموری، [بی‌تا]: ۲۲۱)؛ لذا یکی از وجوه اصلی مقابله با قرارداد تنباکو حفظ استقلال سیاسی کشور بود که در مکتوبات تاریخی به آن اشاره شده است. یکی دیگر از موارد تلاش برای حفظ استقلال سیاسی، مقابله با اشغال روس‌ها در دوره مشروطه بود. درگیری‌ها و ناامنی‌هایی به‌وجودآمده در جریان نهضت مشروطیت موجب شد روس و انگلیس در سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۳۰ قسمت‌هایی از مناطق شمال و جنوب را به بهانه ایجاد امنیت برای اتباع و تجارت خود، عملاً تحت اشغال خود درآوردند. در این میان تجاوزگری روس جلوه و بروز بیشتری پیدا کرد و در جریان اولتیماتوم معروف روس در اواخر سال ۱۳۲۹ به اوج خود رسید. علمای شیعه ضمن اهتمام به مقابله با اشغال کشور، اقدامات متعددی انجام دادند. یکی از این اقدامات، صدور اعلامیه توسط تعدادی از علمای اصفهان به همراه برخی از تجار در اوایل سال ۱۳۲۹ بود. آنها در این اعلامیه بر خود «فرض ذمی» دانستند که از معامله با شعبه بانک روس و نیز استفاده از برخی کالاهای رایج روسی، پرهیز نموده، مسلمانان

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



را نیز به همراهی در این مسئله دعوت کردند. این موضوع، مورد استقبال مردم قرار گرفته، موجب فشار روس‌ها به آقاجفی برای رفع این حکم گردید. در انتهای این اعلامیه آمده است:

«عموم مسلمین بدانید که مادام که قشون روس در بلاد و سرحدات ایران هستند، به این محترم باقی هستیم» (زاینده‌رود، ش ۱۰، ربیع‌الثانی ۱۳۲۹).

بنا بر نقل روزنامه زاینده‌رود در مورد پیامدها و اثرات مثبت اعلامیه مذکور و استقبال مردم از آن، تجار اصفهان به دلیل اعتقادات و احساسات اسلامی و مذهبی خود، اولین افرادی بودند که از این حکم اطاعت نمودند. آنها به‌طوریک‌پارچه به افراد طرف معامله خود تلگراف زدند که از این تاریخ به بعد، کالاهای روسی را نه به‌طورامانت و نه به‌طورخالصه برای آنها خریداری و حمل نکنند؛ همچنین اهالی اصفهان هر روز در صدد افزایش این حرکت دفاعی-اقتصادی هستند که موجب انزوای بیگانگان می‌شود. این روزنامه معتقد است این آخرین امتحان ایرانیان است که باید در این مرحله، کمال لیاقت و استعداد خویش را به جهانیان اثبات کنند. ملت ایران به اقتضای دیانت خود یا باید با سیادت و عزت زندگی کند یا به سعادت و شهادت بمیرد. ملت ایران به دلیل هوشیاری فطری و تعلیمات مذهبی، ملتی نیست که تن به اسارت دهد و تسلیم خواهش اجانب گردد (همان، ش ۲۵ : ۲). استقبال و تبعیت مردم، موجب مشکلات جدی برای روس‌ها گردید؛ به همین جهت آنها در پی فشار به آقاجفی برای رفع حکم برآمدند.

در اعلامیه‌ای که علمای شیراز بعد از اشغال سرزمین ایران توسط قوای روس و انگلیس به اصفهان مخابره کرده‌اند، به تحریم کالاهای خارجی و قطع روابط با بیگانه با هدف حفظ استقلال سیاسی کشور این گونه اشاره کرده‌اند:

علما و تجار و اعیان فارس اجتماع نموده و برای حفظ استقلال اسلامیت و ملیت و دفاع از تهاجمات خانمان ویران‌کن دولتین متجاوزتین، تحریم امتعه و قطع روابط ملی



را یگانه علاج قومیت دیدند... امیدواریم آن آقایان نیز اضمحلال دیانت و قومیت ایرانیان را در نظر گرفته، هرچه زودتر تحریم امتعه دولتین اقدام فرمایند و از اولیای امور مرکزی نیز درخواست می‌شود که کمال مراقبت را در فیصله امر با دولتین نمایند که ذره‌ای از لوازم حفظ استقلال داخلی و خارجی ایران فروگذاری نشود (نجفی، ۱۳۹۱: ۸۸-۸۹).

مرحوم آخوند خراسانی نیز در جواب نامه تهدیدآمیز روس‌ها که از تحریم کالاهای روسی شکایت کرده بودند و ضمناً تهدید به واکنش متقابل نموده بودند، یکی از علل اصلی این تحریم را نادیده‌گرفتن مناسبات حسن همجواری و بین‌المللی و تهدید استقلال سیاسی ایران توسط روس‌ها بیان نموده‌اند:

«کارگزاران دولت بهیه روس نسبت به ایران به هیچ وجه نوامیس و دادیه (روابط دوستانه) و مناسبات جواریه (همجواری و همسایگی) را لازم‌الرعایه و حقوق بین‌المللی را محترم نمی‌دارند... ابقای قشون روسیه در ایران... اسباب تزلزل کلی و منافی استقلال مملکت بوده و هست ... در چنین صورت بر هر فرد ایرانی و بلکه بر هر مسلمانی خصوصاً مقام روحانیت اسلامی که حفظ ثغور و استقلال ممالک اسلامی را ذمه‌دار است (بر عهده دارد) فرضیه حتمیه خواهد بود که در مقام دفاع از حقوق مسلمین و حفظ حوزه اسلامی بر حسب مناسبات و مقتضیات از هر اقدامی فروگذاری نکند» (همان: ۱۰۰-۱۰۱).

ج) استقلال فرهنگی

یکی از مباحث مورد نظر علما در تحولات سیاسی و اجتماعی مباحث فرهنگی و حفظ استقلال فرهنگی و مقابله با نفوذ فرهنگی دشمن است. یکی از مصادیق این نفوذ فرهنگی، نفوذ از طریق کالاهای خارجی بود. علمای شیعه یکی از آثار نفوذ اقتصادی و گسترش مصرف کالای خارجی را نفوذ فرهنگی و مذهبی دشمن می‌دانستند و تحریم این کالاها را با هدف ممانعت از نفوذ فرهنگی دشمن انجام می‌دادند؛ به تعبیر دیگر



حفظ سرمایه‌های مذهبی و فرهنگی نیز از اهداف این اقدامات بود. آیت‌الله آخوند خراسانی و آیت‌الله مازندرانی در اعلامیه‌ای که در مقابله با استفاده از کالاهای روسی صادر کردند، بعد از اشاره به ضررهای اقتصادی ناشی از مصرف کالاهای خارجی که در بخش قبل به آن اشاره شد، به آثار فرهنگی آن این نکته اشاره دارند:

«استعمال امتعه خارجه در بلاد اسلامیه... حالا به ذهاب بیضه اسلام (ازین رفتن اصل اسلام) و زوال اسلامیت مملکت هم - العیاذ بالله تعالی - نوبت رسیده. بقای سالدات روس به بهانه حفظ تجارت روسیه در ایران، تدریجاً به کنیسه شدن مساجد و تبدیل اذان به ناقوس و پامال شدن روضه منوره حضرت ثامن‌الائمه - صلوات الله علیهم - خدای نخواستہ مؤدی خواهد بود.» (نجفی، ۱۳۹۱: ۸۳).

همچنین یکی از دلایل و اهداف پرهیز از کالاهای خارجی و ترویج و استفاده از کالاهای داخلی توجه به آثار معنوی و اخلاقی و روحی این مسئله است. در بیانات علمای بزرگ، به مواردی از آثار بد استفاده از کالاهای خارجی و آثار مطلوب استفاده از مصنوعات داخلی اشاره شده است و ترویج کالاهای داخلی را به خاطر آثار مثبت معنوی و اخلاقی آن تمجید و تعریف کرده‌اند. مرحوم میرزا حسین نوری در نامه‌ای که به حاج آقا نورالله اصفهانی در تمجید از تأسیس شرکت اسلامیه نوشته‌اند، به فواید این کار اشاره کرده‌اند و یکی از فواید این کار را رفع احتیاج به بیگانگان دانسته‌اند که باعث می‌شود مراوده و اختلاط و معاشرت با کفار کمتر شود و این خود تأثیر بر روح و روان افراد و دینداری آنها می‌گذارد. چون معاشرت و مراوده با کفار و مشابهت به آنها موجب رسوخ محبت آنها در دل مسلمین خواهد شد. بر همین اساس می‌نویسند:

با چنین قلب ویران و هیئت عدوی ایمان، برای حضور در محضر قدس حضرت الهی و اظهار عبودیت و احتیاج و استدعای انجام حوایج محلی و به جهت اجابت و دعا و دفع مکاره و بلا/ای امیدی نخواهد ماند... نوع مسلمان‌ها سال‌هاست اثر اجابت در دعای خود نمی‌بینند... ندانستند که اول شروط اجابت، پاکیزگی مطعوم و ملبوس



است و هرچه در آنها مذاقه کنند، اثرش را در آنجا مشاهده نمایند (نجفی، ۱۳۸۴: ۵۲).
این عالم بزرگوار بر اساس متون دینی اولین شرط استجاب دعا را پاکیزگی و
طهارت لباس و غذای انسان می‌داند و البته تأکید می‌کند که منظور از پاکیزگی، صرفاً
پاکیزگی ظاهری نیست و این پاکیزگی در کالاهای تولیدشده توسط بیگانگان و کفار
وجود ندارد؛ زیرا

«با دست خبیث آلوده به اقسام معاصی و ملوث به انواع قذارات و زبان
پلیدی مثل آن، توقع پاکیزگی از ملبوس بافته او داشتن، عین سفاهت و به
مجرد طهارت و حلیت ظاهر قناعت کردن، تمام خسارت است» (همان: ۵۳).
آیت‌الله حاج میرزا خلیل تهرانی نیز در نامه‌ای که خطاب به حاج آقا نورالله اصفهانی
می‌نویسند، به همین اثر معنوی و اخلاقی این گونه اشاره دارند:

«امیدوارم ... این مأکول و ملبوس پاک و طاهر سبب اجابت دعوات و
عوارف و قبولی طاعات شود، لامحاله اثر قهری دارد» (روزنامه حبل‌المتین،
۱۳۱۷: ۱۵).

در نهضت تحریم تنباکو نیز یکی از دغدغه‌های علمای شیعه، نفوذ فرهنگی دشمن
و تأثیرپذیری مردم از فرهنگ نادرست غربی بود. یکی از مشکلات مذهبی و فرهنگی
ناشی از امتیاز تنباکو، گسترش حضور فرنگیان در ایران و ترویج فرهنگ عمومی
آنهاست که به اشکال مختلف با فرهنگ عمومی ایرانیان که فرهنگی اسلامی بود، در
تعارض بوده است. شیخ حسن کربلایی در این زمینه می‌نویسد:

«مردان فرنگی به تازگی چندین حجره گشوده، همگی دختران فرنگی نوس
و زیبا که بدان وضع‌های دلکش و دلربای فرنگیان، خود را ساخته و
پرداخته... و بدان عشوه‌های [عشق‌های] نازنین و لهجه [لسان‌های] دلچسب
و شیرین، در کمال فتاکی و بی‌باکی، مسلمانان دلداده را به اسم و عنوان
داد و ستد از هر سو در پی تاراج عقل و دین بودند» (کربلایی، ۱۳۷۷: ۷۲).

یکی از شیوه‌های ترویج بی‌بندوباری استخدام دختران ایرانی به عنوان پرستار در



مریض‌خانه‌های ساخته‌شده توسط فرنگیان و مسیونرهای مذهبی بود که آنها را بی‌حجاب به این کار گماشته بودند (تیموری، [بی‌تا]: ۴۲).

یکی دیگر از شیوه‌های تهدید فرهنگ مذهبی مردم، حضور زنان بدکاره و تأسیس فاحشه‌خانه‌ها و قمارخانه‌ها در شهرهای ایران به‌ویژه تهران است که موجب ترویج فساد و فحشا به‌طور علنی در ایران شده است (کربلایی، ۱۳۷۷: ۷۲)؛ همچنین می‌توان به جسارت و گستاخی فرنگیان در عدم رعایت آداب و رسوم مذهبی مسلمانان و هتک حرمت نسبت به این مسائل اشاره کرد که موجبات تجری و لاپرواہی عمومی در این زمینه را فراهم کرده است. یکی از نمونه‌های این نوع رفتار، افطار و عدم امساک علنی در ماه رمضان است که عموم مسلمین هم جرئت اعتراض به آنها را نداشتند. اگر هم برخی افراد با نرمی و ملایمت تذکری به آنها می‌دادند، بهترین واکنشی که فرنگیان از خود بروز می‌دادند، تعبیر «عیسی به دین خود، موسی به دین خود» بود (همان: ۷۵) که این نوع برخوردها علاوه بر اینکه حرمت روزه‌خواری علنی را می‌شکست، موجب ترویج نگاه‌های پلورالیستی و سست کردن فریضه امر به معروف و نهی از منکر در بین مسلمانان می‌شد. به‌طور کلی حضور فرنگیان در ایران و مراوده و اختلاط مسلمانان با آنها موجب بی‌مبالاتی آنها نسبت به احکام و آداب و رسوم شریعت شده و زمینه‌های کاهش دینداری را فراهم کرده است. کدی نیز معتقد است از جمله شکایات ملایان این بود که ورود روزافزون اروپاییان تحت عنوان امتیاز و مراوده همیشگی آنان با ایرانیان موجب تباهی دین آنان خواهد شد (کدی، ۱۳۵۸: ۸۲). در گزارش کندی، از مأموران انگلستان در ایران نیز به این مطلب اشاره شده است:

میرزا محمدعلی، یکی از مجتهدین به مأمور سفارت گفته بود که تردیدی نیست این شرکت سیل اروپاییان را به ایران سرازیر خواهد کرد و تجارت کشور را در دست خواهند گرفت و همین مسئله مذهب آنها را تضعیف خواهد کرد (لمبتون، ۱۳۶۳: ۲۶۵).

یاسا پشوی
مطالعه موردی دوره قاجار
مطالعه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی



لذا یکی از دلایل مقابله با قرارداد تنباکو بحث تأثیرپذیری از فرهنگ غربی و رواج

فرهنگ و سبک زندگی اروپاییان و تضعیف احکام شرعی و سبک زندگی اسلامی بود.

۳-۷. حساسیت در برابر دشمن و شناخت نقشه‌ها و عدم تبعیت از آن (جهاد کبیر)

یکی دیگر از شاخص‌های مهم انقلابی‌گری حساسیت در برابر دشمن و شناخت برنامه‌های دشمن است. حوزه انقلابی باید حرکات دشمن را بشناسد و نقشه‌های او را تشخیص دهد و بر روی کارهای او، حرف‌های او، اظهارات او حساس باشد و در مقابل زهری که او احتمالاً خواهد ریخت، پادزهر فراهم بکند و آماده باشد برای اینکه حرکت او را خنثی بکند. این، حساسیت در مقابل دشمن است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴).

آیت‌الله خامنه‌ای نقطه مقابل این حساسیت را انکار اصل وجود دشمن و دشمنی‌های او می‌دانند:

بعضی اصل دشمن را انکار می‌کنند. وقتی ما می‌گوییم دشمن داریم، می‌گویند آقا، شما دچار توهم‌اید، توهم توطئه. خود این مطرح کردن توهم توطئه، به نظر ما یک توطئه است؛ برای اینکه حساسیت‌ها را کم کنند [می‌گویند] آقا، دشمن چیست، کدام دشمنی؟ واضح‌ترین چیزها را انکار می‌کنند (همان).

از این رو، توجه علمای شیعه به خطر دشمن و حساسیت نسبت به اقدامات دشمن و نفوذ دشمن در ادبیات و رفتار سیاسی و اجتماعی آنها بروز و ظهور زیادی داشته است. علمای شیعه بر اساس اصول فقهی و قرآنی مختلف، مثل اصل حرمت دوستی و مودت با کفار و اصل حرمت تشبه به کفار، این حساسیت خود را نشان داده‌اند. یکی از اصول و مبانی نظری مورد توجه علما در این بحث، اصل حرمت دوستی و پذیرش ولایت کفار بوده است. در قرآن کریم آیات زیادی وجود دارد که مسلمانان را از دوستی و مراوده با کفار نهی کرده است:

«لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ»

هیچ قوم مؤمن به خدا و روز قیامت را نخواهی یافت که با دشمنان خدا و

رسول دوستی کنند» (مجادله: ۲۲).

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



«بَا أَيِّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ... وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصارا را به عنوان دوست انتخاب نکنید... و هر کس از شما با آنها رابطه دوستی برقرار نماید، از آنان خواهد بود» (مائده: ۵۱).

«لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ:

مؤمنان نباید کافران را به جای مؤمنان دیگر به دوستی انتخاب کنند» (آل عمران: ۲۸).

یاست پژوهی

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل این آیه می‌فرماید:

غالباً ولایت مستلزم تصرف یک دوست در امور دوست دیگر است... در نتیجه اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم، خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده‌ایم. امتزاج روحی هم ما را می‌کشاند به اینکه رام آنان شویم و از اخلاق و سایر شئون حیاتی آنان متأثر گردیم... وقتی یک فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد و این ولایت قوی هم باشد، خود به خود خواص ایمانش و آثار آن فاسد می‌گردد و به تدریج اصل ایمانش هم تباه می‌شود (طباطبایی، ۳/۱۳۷۴، ص ۲۰۶-۲۰۸).

بحث تأثیر مراوده و دوستی با کفار بر اخلاق و روحیات مردم و تضعیف ایمان آنها در گزارش شیخ حسن کربلایی از وضعیت ایرانیان پس از ورود کفار غربی به ایران و ارتباط ایرانیان با آنها به خوبی توصیف شده است. بر همین اساس هم میرزای شیرازی در تلگراف‌هایی که به ناصرالدین‌شاه دارد، به همین بحث اشاره دارد:

کفره را بر وجود معایش و تجارت آنها مسلط کرد تا بالاضطرار با آنها مخالطه و ماده (دوستی) کنند و به خوف یا رغبت، ذلت نوکری آنها را اختیار نمایند و کم کم بیشتر منکرات، شایع و متظاهر شود و رفته رفته عقایدشان فاسد و شریعت اسلام مختل النظام گشته و خلق ایران به کفر قدیم خود برگردند (کربلایی، ۱۳۷۷: ۹۶).

مجموعه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



لذا علما به این نکته توجه داشته و نقشه و برنامه دشمن را به خوبی می‌شناختند و با آن مقابله می‌کردند. یکی از اصولی که در مواجهه با کفار غربی مورد استناد علمای شیعه قرار گرفته است، اصل حرمت تشبه به کفار است که در روایات ما فراوان مطرح شده است. حضرت علی(ع) می‌فرماید:

«کسی که شبیه به قومی شود، از آنان به حساب می‌آید» (محدث نوری، ۱۷/۱۴۰۷، ص ۴۴۰).

امام صادق(ع) نیز می‌فرماید:

«خداوند به یکی از پیامبرانش چنین وحی کرد: به مؤمنان بگو لباس دشمنان را نپوشند، غذای دشمنان را نخورند و طبق روش دشمنان من عمل نکنند که اگر چنین کنند آنها نیز دشمن من خواهند بود، همانند سایر دشمنان» (ابن بابویه، ۱/۱۳۹۲: ۲۵۲).

در این گونه روایات، معصومان: مؤمنان را از مشابهت به کفار در اموری که از ویژگی‌های خاص آنهاست، بر حذر داشته‌اند؛ البته این نکته قابل ذکر است که حرمت تشبه به کفار و سلوک طبق شیوه‌های آنان مربوط به مواردی است که به نوعی شعار یا شاخصه‌ای برای آنان حساب می‌شود یا مربوط به بخشی از آداب و تعالیم دینی آنهاست که در اسلام نسخ و باطل شده است؛ اما آن دسته از شیوه‌های تمدنی و معیشتی که منشأ فطری یا وحیانی دارد و مشترک بین کفار و مؤمنان است، از شمول این حکم خارج است (ره‌دار، ۱۳۹۰: ۱۵۹).

بر همین اساس در موارد متعددی علما بر مبنای اصل حرمت تشبه به کفار، مؤمنان را از استعمال کالاهای خارجی نهی کرده‌اند؛ برای نمونه مرحوم شیخ‌الشریعه اصفهانی در این زمینه با استناد به همان حدیث «لاتلبسوا ملابس اعدایی و...» می‌نویسند:

«اغلب مفاسدی که در اعمال و عقاید مسلمین پیدا شده، از اختلاط آنها با کفار و تشبیه به آنها در گفتار و کردار و... هست» (جبل‌المتین، ۱۳۲۴، سال ۱۳، ش ۳۳: ۲۰).

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



علمای شیعه با توجه به این اصول و برخی اصول دیگر، حساسیت خود نسبت به دشمن را نشان داده و مردم را به واکنش نسبت به آن و عدم تبعیت از دشمن تشویق کرده‌اند (ر.ک: رهدار، ۱۳۹۰).

یکی دیگر از مصادیق حساسیت و شناخت نقشه دشمن و ممانعت از اجرای این نقشه، تیزبینی آیت‌الله ملاحلی کنی نسبت به قرارداد رویتر و اهداف و نقشه‌های دشمن از این قرارداد و ممانعت از اجرای این حرکت بود. وقتی خبر انعقاد این قرارداد در ایران منتشر شد، در بین مردم و علما هیجانی بی‌سابقه پدید آمد. آنان که با اجرای مفاد قرارداد خود را اسیر یوغ استعمار و برده کفار می‌دیدند، سراسیمه به حضور آیت‌الله العظمی ملاحلی کنی شتافتند و حل این مشکل را از او خواستند. آیت‌الله کنی و شیخ صالح عرب از علمای وقت نیز بر اساس وظیفه دینی و آگاهی سیاسی، پرچم مخالفت با ناصرالدین‌شاه و بانی اصلی امتیاز، سپهسالار، را برافراشتند. آیت‌الله کنی طی نامه‌ای به شاه وی را از عواقب شوم واگذاری چنین امتیازهایی به انگلیسی‌های فریبکار بر حذر داشت و شخصیت صدر اعظم را مورد سؤال قرار داد. ایشان در نامه خود خطاب به ناصرالدین‌شاه ابتدا توضیح داد که واگذاری این امتیاز چگونه اختیار را از ملت و شاه نسبت به اموال عمومی کشور از بین می‌برد و چه خسارت مالی شدیدی به جا می‌گذارد که به راحتی قابل جبران نیست:

از قرار مسموع و مکتوب در عهدنامه آنکه جمیع خلق مجبور به تسلیم اموال و املاک خود باشند از قبیل جنگل‌ها و معادن و قنوت، بلکه سلطان با اقتدار نیز در این اجبار داخل باشند که املاک خالصه و زرخریدی و معادن و رودخانه‌ها را بتوانند به اجبار ببرند، به حدی که اگر پس از زمانی دولت بخواهد رفع آنها را بکند/میع نقوذ خزانه عامره و نقود اجناس متداوله موجوده در دست رعایا به ادای تاوان و زیان ننماید (تیموری، ۱۳۶۳: ۱۲۵).

ایشان سپس به توییح دولت و دربار و به تعبیری شخص شاه می‌پردازند که به چه

یاست پژوهی

پلوه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



حقی و بر اساس کدام ضابطه و اختیار منابع ملی و شخصی افراد را به دیگران واگذار کرده است:

«دولت را چه تسلط است بر املاک و اشجار و آب اراضی رعایا که حتماً بفروشد؟ گمان ندارم در شرع خود بلکه سایر ادیان، تجویز این قسم اجبارها شده باشد» (همان).

ایشان همچنین با توجه دادن به نحوه نفوذ انگلیسی‌ها بر هند، خطر سیاسی و فرهنگی این اقدام که موجب سلطه انگلیسی‌ها و کفار بر ایران می‌شود، اشاره می‌کنند و می‌نویسند:

کمپانی هند، تمام هند با آن وسعت و مکتب را به خریداری و تملک یک جریب زمین مخصوص سکونت خود برد. کمپانی معاصر ما با تصرف آن همه اراضی متعلقه به راه آهن و استحقاق انتفاع جمیع معادن و رودخانه‌ها و اراضی با حق به کار و داشتن جمیع کارکنان از رعایا، چگونه ایران را نبرد و چرا نبرد؟ خوب پس از آنکه رعایا به رضا یا به حکم، کارکنان ایشان شدند و از دادن منال دیوانی معاف ماندند، آیا به خزانه عامره از کجا و کدام مالیات و کدام نسق از زراعت چیزی بیاید؟... کمپانی با این همه اموال و این رجال و داشتن راهی به این سهل به بلاد عظیمه ایران به خصوص به پایتخت، سلطنت و دولت، به کدام قلب و اطمینان، چه اطمینان داریم که در طول یک ساعت پر نکند اطراف ما را از رجال و توپ و تفنگ و غافلگیر نشویم (همان).

ایشان در انتهای نامه از شخص شاه می‌خواهند که «اهتمام بر حفظ دین و دولت» داشته باشند و دست خائنان به این مملکت و دین را کوتاه کنند؛ از جمله عامل قرارداد ننگین رویترا، یعنی میرزا حسین‌خان سپهسالار که بدون اجازه و مشورت با عقلا و خیرخواهان دولت چنین قراردادی را بسته است. بر اساس این نامه و دستور آیت‌الله ملاعلی کنی، ناصرالدین شاه، میرزا حسین‌خان را از صدراعظمی عزل کرد (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۶۱ : ۱۰۶). از جمله نموده‌های شناخت نقشه دشمن و مقابله با آن، توجه

ساعت شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۱۰۶

آیت‌الله ملاحلی کنی به تلاش‌های فرهنگی دشمن برای نفوذ فرهنگی در جامعه اسلامی است. دقت نظر ایشان در این زمینه باعث شد که بعد از تأسیس فراموشخانه توسط میرزا ملک‌خان ناظم‌الدوله، ایشان به مخالفت با این حرکت فرهنگی بپردازد و تلاش ایشان باعث تعطیلی این مرکز فراماسونری شود (نجفی و فقیه حقانی، ۱۳۸۱: ۱۳۵ - ۱۳۷).

۳-۸. تقوای دینی و سیاسی

شاخص پنجم انقلابی‌گری، تقوای دینی و سیاسی است. تقوای سیاسی به معنای پرهیزکردن از لغزشگاه‌هایی است که دشمن می‌تواند از آنها استفاده کند (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۳/۱۴). تقوا گاهی در امور فردی است که انسان باید از گناه پرهیز کند، گاهی در سیاست‌پژوهی امور اجتماعی است:

«تقوای اجتماعی - تقوای اسلامی مربوط به اجتماع - این است که در راه تحقق این چیزهایی که اسلام از ما مطالبه کرده است، تلاش کنیم» (همان).
حوزوی و روحانی انقلابی باید علاوه بر تقوای فردی، تقوای سیاسی و اجتماعی نیز داشته باشد؛ یعنی به دنبال تحقق آرمان‌های اسلام و انقلاب باشد و از لغزشگاه‌هایی که ممکن است مورد سوء استفاده دشمن قرار گیرد، پرهیز کند؛ باید دقت داشته باشد که دشمن همواره در کمین است و گاهی از یک کلام و یک رفتار و واکنش او سوء استفاده می‌کند.

«اکثر علمای شیعه همواره از لحاظ تقوای شخصی مشهور بوده و در تاریخ معاصر نیز نویسندگان غربی بارها به این تقوای شخصی اشاره کرده‌اند. انگلبرت کمپفر، از مسافران خارجی این دوران معتقد است مجتهد بر مبنای طرز زندگی زاهدانه و دانش و بینش متوقف خود در طول زمان و متدرجاً طرف توجه خاص همه مردم قرار گرفته است؛ لذا وی از اعتقاد عمیق مردم به اطاعت از مجتهد یاد می‌کند» (جعفریان، ۱۳۷۹/۱: ۱۳۱).

سرجان ملکم انگلیسی نیز در مورد زهد علمای شیعه می‌نویسد:

«به جهت فرط فضیلت و زهد و صلاحیتی که در ایشان است، اهالی هر

شهر که مجتهدی در آن سکنا دارد، بالطبع و الاتفاق به ایشان رجوع کرده، مجتهدین را هادی راه نجات و حامی از ظلم بغات و طغات می‌دانند» (همان: ۱۳۴).

در باب تقوای اجتماعی نیز گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد نه تنها دشمن نتوانسته از کلام یا رفتار علما سوء استفاده کند، بلکه همواره از علمای شیعه به عنوان مانع اصلی اقدامات خود یاد کرده‌اند؛ مثل اعتراض روس‌ها به دولت ایران در مورد تحریم کالای روسی توسط علما یا اعتراف بنجامین، سفیر آمریکا به خطر علمای شیعه برای خارجی‌ها (جعفریان، ۱۳۷۹، ص ۱۳۴) و اعتراف انگلیسی‌ها به اینکه علما عامل اصلی در مقابله با قرارداد تنباکو هستند (کدی، ۱۳۵۸: ۱۰۷).

نتیجه‌گیری

شاخص‌های مطرح‌شده توسط رهبر انقلاب در باب انقلابی‌گری نشان می‌دهد که انقلابی‌گری یک تفکر است که می‌تواند در هر زمان و مکانی وجود داشته باشد. بر همین اساس در این مقاله به بررسی سیره و اندیشه علمای قاجار و میزان جلوه شاخص‌های انقلابی‌گری در میان علما و روحانیان حوزه‌های علمیه در آن مقطع تاریخی پرداختیم. بررسی سیره و اندیشه علمای شیعه در دوران قاجار نشان می‌دهد که بسیاری از علما و روحانیان از مراجع بزرگ گرفته تا مجتهدان و استادان و فضلا و طلاب سطوح پایین حوزه، دارای ویژگی‌ها و شاخص‌های انقلابی بوده‌اند. توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه و تلاش برای حل آنها در ابعاد مختلف داخلی و بین‌المللی، مثل تهاجم‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی استعمار از جمله شاخص‌های این دوره است. باور به تحول و پیشرفت و تلاش برای اصلاح و پیشرفت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تلاش برای حفظ استقلال کشور در ابعاد مختلف، تأکید بر نقش مردم در تحولات سیاسی و اجتماعی و استفاده از پتانسیل مردمی برای جهت‌دهی و پیشبرد اهداف فوق از شاخص‌های دیگر انقلابی‌گری در

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۱۰۸

حوزه و روحانیت دوره قاجار است. حساسیت نسبت به دشمن و شناخت اهداف و مقاصد او و تلاش برای عدم اطاعت از دستورات و خنثی کردن توطئه‌های دشمن و تقوای دینی و سیاسی نیز از جمله شاخص‌های حوزه انقلابی در این دوران است؛ البته به این نکته باید توجه داشت که به رغم وجود شاخص‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه دوره قاجار، طبیعتاً در اهداف جزئی و برنامه‌ها و اقدامات انجام‌شده علما و روحانیان تفاوت‌هایی به اقتضای شرایط زمانی آن دوره وجود دارد؛ همچنین در دوره قاجار همانند همه دوره‌ها بخشی از حوزویان و روحانیان بنا به دلایل مختلف نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی ساکت بوده، از دخالت در این گونه مسائل پرهیز داشتند؛ اما فضای عمومی حوزه‌ها و علمای شیعه خلاف این جریان است. هرچند بعد از نهضت مشروطیت به دلیل اتفاقات و انحرافات که در این نهضت افتاد و ضربه‌هایی که به علما و روحانیت در این نهضت وارد شد، مثل شهادت آیت‌الله شیخ فضل‌الله نوری، آیت‌الله سیدعبدالله بهبهانی و فوت مشکوک آخوند خراسانی توسط مشروطه‌خواهان سکولار و تندرو، احتیاط زیادی در سیره علما در ورود به مسائل سیاسی و اجتماعی دیده می‌شود که چه بسا نتیجه آن، تضعیف برخی عملکردها در دوره پهلوی و اعتراض امام خمینی^۱ به سکوت حوزه‌های نجف و قم نسبت به مسائل سیاسی و اجتماعی است.

در هر صورت توجه به پیشینه تاریخی انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه می‌تواند در گسترش روحیه انقلابی‌گری در حوزه‌های امروز و ممانعت از گسترش سکولاریسم در حوزه‌ها تأثیرگذار باشد. به تحقیق باید گفت تلاش‌های گسترده علمای شیعه در دوره قاجار در ایجاد نهضت‌های سیاسی و مقابله با استعمار و استبداد زمینه را برای نهضت امام خمینی(ره) و انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ فراهم کرد که امام خمینی(ره) توانست با حمایت اقشار مختلف مردم، نظام استبدادی و استعماری پهلوی را ساقط و نظام اسلامی بر مبنای ولایت فقیه را ایجاد کند.

یاست پژوهی

پایه‌های انقلابی‌گری در حوزه‌های علمیه قبل از انقلاب اسلامی (مطالعه موردی دوره قاجار)



منابع

* قرآن کریم.

۱. آجودانی، ماشاءالله ۱۳۸۳. مشروطه ایرانی؛ ج ۵، تهران: نشر اختران.
۲. آل بحر العلوم، سیدمحمد ۱۳۶۲. بلغۃ الفقیه؛ ج ۴، تهران: مکتبه الصادق.
۳. آیت اللهی، سیدمحمدتقی ۱۳۶۳ ولایت فقیه زیربنای فکری مشروطه مشروعه؛ تهران: امیرکبیر.
۴. ابن بابویه، محمدبن علی ۱۳۹۲ق. من لایحضره الفقیه؛ تهران: مکتبه الصدوق.
۵. ابوالحسنی، علی ۱۳۸۶. «مروری بر اندیشه و سیره سیاسی صاحب عروه»، فصلنامه تاریخ معاصر؛ ش ۴۲.
۶. _____ ۱۴۰۰ق. جهاد دفاعی و جنگ صلیبی ایران و روس تزاری؛ تهران: دارالحسین.
۷. اعتمادالسلطنه ۱۳۷۹. روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه؛ با مقدمه و فهارس ایرج افشار؛ ج ۵، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۸. بصیرت منش، حمید ۱۳۷۸. علما و رژیم رضاشاه؛ ج ۲، تهران: نشر عروج.
۹. ترکمان، محمد ۱۳۶۳. رسائل، اعلامیه‌ها، مکتوبات ... شیخ فضل الله نوری؛ ج ۱، ج ۱، تهران: رسا.
۱۰. تنکابنی، میرزا محمد [بی تا]. قصص العلماء؛ تهران: کتابفروشی علمیه اسلامی.
۱۱. تیموری، ابراهیم [بی تا]. تحریم تنباکو: اولین مقاومت منفی در ایران؛ تهران: کتابخانه سقراط.
۱۲. _____ ۱۳۶۳. عصر بی خبری؛ تهران: انتشارات اقبال.
۱۳. جعفریان، رسول ۱۳۷۹. صفویه در عرصه دین؛ فرهنگ و سیاست؛ قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۴. خامنه‌ای، سیدعلی ۱۳۹۶. نرم افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای، قم: خدمات فرهنگی مرکز نور.
۱۵. خمینی، روح الله ۱۳۹۲. صحیفه امام؛ قم: نرم افزار مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، (نور).
۱۶. دهخدا، علی اکبر ۱۳۳۷. لغت نامه؛ زیر نظر محمد معین/عفر شهیدی، مقدمه بقلم گروهی از دانشمندان؛ دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تهران: سازمان لغت نامه.
۱۷. رجبی، محمدحسن ۱۳۹۰. مکتوبات و بیانات سیاسی و اجتماعی علمای شیعه دوره قاجار؛ تهران: نشر نی.

سازش روی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۱۱۰

۱۸. رحمان ستایش، محمدکاظم و دیگران ۱۳۸۴. رسائل فی ولایة الفقیه؛ قم: بوستان کتاب.
۱۹. رضوانی، هما ۱۳۶۲. لویح آقا شیخ فضل الله نوری؛ تهران: نشر تاریخ.
۲۰. روزنامه ثریا، ۱۳۱۷ق. سال ۲، ش ۱۳.
۲۱. روزنامه حبل المتین ۱۳۲۴ق. سال ۱۳، ش ۳۳.
۲۲. روزنامه حبل المتین ۱۳۱۷. سال ۷، ش ۱۹، ذی حجه.
۲۳. رهدار، احمد ۱۳۹۰. غرب شناسی علمای شیعه؛ قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۲۴. زاینده رود، ربیع الثانی ۱۳۲۹. ش ۱۰.
۲۵. زرگری نژاد، غلامحسین (به کوشش) ۱۳۷۷. رسایل مشروطیت؛ ج ۲، تهران: کویر.
۲۶. شاه‌آبادی، محمدعلی ۱۳۶۰. شذرات المعارف؛ تهران: انتشارات نهضت زنان مسلمان.
۲۷. طباطبایی، محمدحسین ۱۳۷۴. تفسیر المیزان؛ ترجمه محمدباقر موسوی همدانی؛ ج ۲، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۸. طیبی، سیدمحمد ۱۳۸۸. نظام قضایی و آیین دادرسی ایران: از افشاریه تا انقلاب مشروطه؛ کرمان: دانشگاه باهنر.
۲۹. عاملی، شیخ حر [بی‌تا]. وسائل الشیعه؛ تحقیق شیخ محمد رازی؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۰. کدی، نیکی آر ۱۳۵۸. تحریم تنباکو؛ ترجمه شاهرخ قائم مقامی؛ تهران: انتشارات کتابهای جیبی.
۳۱. کربلایی اصفهانی، حسن ۱۳۷۷. تاریخ دخانیه؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: دفتر نشر الهادی.
۳۲. کسروی، احمد ۱۳۷۸. تاریخ مشروطه ایران؛ ج ۱۵، تهران: امیرکبیر.
۳۳. لمبتون، آن. ک. س ۱۳۶۳. سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام؛ ترجمه یعقوب آژند؛ ج ۱، تهران: امیرکبیر.
۳۴. محدث نوری، میرزا حسین ۱۴۰۷ق. مستدرک الوسائل؛ قم: مؤسسه آل‌البیت.
۳۵. ملک‌زاده، مهدی ۱۳۸۳. تاریخ انقلاب مشروطیت ایران؛ تهران: انتشارات سخن.
۳۶. ناظم الاسلام کرمانی، محمد ۱۳۶۱. تاریخ بیداری ایرانیان؛ به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی؛ تهران: آگاه.
۳۷. نجفی، محمدحسن ۱۴۱۷ق. جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام؛ تحقیق مؤسسه النشر الاسلامی؛ قم: جماعه المدرسین بقم المشرفه، مؤسسه النشر الاسلامی.
۳۸. نجفی، موسی ۱۳۸۴. اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی؛ ج ۳ (با اضافات)، ۱۱۱ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.

۳۹. _____ ۱۳۹۱. اندیشه تحریم و خودباوری؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۰. _____ ۱۳۹۰. حکم نافذ آقاجفی، با همکاری علیرضا جوادزاده؛ تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۱. نجفی، موسی و موسی فقیه حقانی ۱۳۸۱. تاریخ تحولات سیاسی ایران؛ ج ۲، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
۴۲. همدانی، رضا بن محمدهادی [بی تا]. مصباح الفقیه؛ تهران: مکتبه النجاج.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی